



احمد مرامی - عضو هیات مدیره اوپکس

رانت : افول ملی

نظام تشکیلاتی اتحادیه ، سندیکا و به طور کل انجمن هائی که برای موضوعات صنفی خاص

به وجود می آیند بر گرفته از خرد جمعی و منطبق بر اصلاح ساختارها و وقایع اقتصادی مهم و تاثیر گذار است. آنچه که به جذابیت این گونه تشکل ها ، بهای بیشتری می دهد انگیزه افراد و اعضاء به منظور منافع جمعی است. این منافع در شرایط یکسان و در برخورداری از امکانات موجود و تسهیم و تقسیم عادلانه نهادهای تولیدی و تجارتی است.

چنانچه منافع ملی را ترکیبی از منافع بخش دولتی و خصوصی بدانیم و چهارچوب این منافع را در سه برهه کوتاه ، میان و بلند مدت در نظر بگیریم ؛ خواهیم دید علیرغم تمامی تلاش ها و علائق ، گروهی برای افزایش سهم ثروت بدون خلق ثروت و به گونه ای کاملاً هدمند و در سایه به زیاده خواهی متوسل می شوند. این گروه حسب در اختیار داشتن رانت گسترده و سازمان یافته از منابع اطلاعاتی و ارتباطی در سطح سیاستمداران و اقتصادیان ؛ حجم بالائی از منافع را با کمترین ریسک مال خود می کنند.

نظریه ی انتخاب (Public Choice) بر محور این پرسش بنا نهاده شده است که آیا انتخاب فرد در گروه تابع منافع خود اوست یا آن که منافع جمع ملاک انتخاب و اقدام وی قرار می گیرد. این مساله تحت عناوین متفاوتی چون انتخاب داوطلبانه، انتخاب اجباری، انتخاب جمعی، انتخاب منطقی، انتخاب اجتماعی و پارادوکس رای دهنده مورد بحث واقع شده و در رشته های مختلف از آن تحلیل هایی به عمل آمده است. بر اساس تئوری انتخاب عمومی، سیاستمداران و کارگزاران دولتی زندگی خود را فدای منافع شهروندان نمی کنند و رفتار آنان بیش و کم شبیه به تاجران و بازرگانان و صنعت گران است. و اگر آنان کاری به نفع شهروندان انجام می دهند آن کار برای خود آنان نیز منافع مستقیمی را به ارمغان می آورد. به عبارت دیگر سیاستمداران و کارگزاران بخش عمومی بیش تر در پی منافع خویش اند تا در پی منافع شهروندان و در اساس هیچ تضمین یا دلیل منطقی وجود

ندارد که چنین افرادی تنها به علت این که در جایگاه خاصی قرار گرفته اند دچار دگرگونی شخصیتی شوند و منافع دیگران را مقدم بر منافع خود بدانند. و دقیقاً رانت و رانت خواه منبث از این تفکر تمامی رگ های حیاتی را مسموم از حضور می کند. و به معنای واقعی کلمه فساد را بنا می نهد رانت خواری پدیده ای است که آسیب های فراوان اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای کشورها به وجود می آورد. بنابر نظر اقتصاددانان، درآمدهایی که خارج از فعالیت های مولد اقتصادی و با بهره گیری از قدرت و نفوذ سیاسی یا اقتصادی صورت می پذیرد همیشه به عنوان آفتی برای نظام اقتصادی هر کشوری حساب شده است. مصداق بارز این کلام همان «رانت و رانت خواری» می باشد.

از مهمترین زبان های ناشی از رانت می توان موارد ذیل را اشاره نمود:

سرگرم شدن نیروی انسانی به کسب رانت و بازماندن از کار مولد؛ پایین آمدن انگیزه تولید؛ افزایش رشد بیکاری؛ گسترش دلالتی؛ توقف رشد تکنولوژی در جامعه؛ کاهش بهره وری؛ افزایش تورم؛ حذف وجدان کاری؛ تضاد طبقاتی و دو قطبی شدن جامعه؛ فساد گسترده مالی؛ ناعادلانه شدن سیستم توزیع، و تأمین منافع گروهی خاص؛ فرار سرمایه به خارج؛ مصرف زیاد؛ ناامنی در بخش تولید؛ رشد فعالیت های ناسالم و گرایش سرمایه ها به بخش های خدماتی و واسطه گرایانه.

در حوزه نفت و فرآورده های نفتی، حسب اقتصاد کلان مبتنی بر نفت و ارزان بودن حامل های انرژی منحنی صعودی استفاده از رانت متأسفانه متوقف نشده است. از طرفی سیاست های ارزی چندگانه در ادوار مختلف و بهره گیری نامناسب از ظرفیت تولید پالایشگاه ها و مجتمع های پتروشیمی عدم تخصیص خوراک به میزان کافی به واحدهای تولیدی مخصوصاً در صنایع پائین دستی و سودهای کلان در تجارت ناسالم فرآورده های نفتی ، موجبات افزایش این نهاده فساد شده است.

درآمدهایی که خارج از فعالیت های مولد اقتصادی و با بهره گیری از قدرت و نفوذ سیاسی یا اقتصادی صورت می پذیرد همیشه به عنوان آفتی برای نظام اقتصادی هر کشوری حساب شده است. مصداق بارز این کلام همان «رانت و رانت خواری» می باشد